

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

باز تایپ و ارسال از: لاله

تاریخ حزب کار آلبانی

انستیتیوی تحقیقات مارکسیستی لنینیستی در جنب کمیته مرکزی حزب کار آلبانی
چاپ «نعم فراشری» تیرانا ۱۹۶۹

بخش پنجاه و سوم

۲۵ اکتوبر ۲۰۱۴

جبهه دموکراتیک البانی.

وظائف جدید تاریخی که در برابر حزب قرار داشت به خوبی انجام پذیر نبود مگر آن که همان وحدتی که در طی مبارزه رهائیبخش ملی تحقق یافته بود یعنی وحدت توده های خلق بر گرد حزب، حفظ شود و بیش از پیش تحکیم یابد. در این شرایط جدید، حزب کمونیست البانی شعار وحدت ملی را اعلام داشت که می بایست علاوه بر توده های وسیع خلق که فعالانه در مبارزه رهائیبخش ملی شرکت جسته بودند بر کلیه کسانی که از این مبارزه بر کنار مانده و یا به فریب پیشوایان مرتجع دچار آمده بودند ولی اینک می توانستند در ساختمان جامعه نوین سهمی اداء کنند نیز شامل گردد.

زندگی نشان می داد که این وحدت نمی تواند حفظ شود و تحکیم یابد مگر بر اساس جبهه ای که در طی مبارزه رهائیبخش ملی به وجود آمده بود. وجود جبهه رهائیبخش ملی به مثابه سازمانی انقلابی که به وحدت پیکار جویانه توده های وسیع خلق تحقق بخشیده و نقشی قاطع در احراز پیروزی بر دشمن ایفاء کرده بود کاملاً تأیید و تسجیل می شد. حزب کمونیست البانی در این زمینه تجربه ارزنده ای اندوخته بود که به او یاری می داد تا توده ها را متفقاً در جبهه و تحت رهبری خویش وحدت بخشد.

تقویت جبهه رهائیبخش ملی مناسب ترین راه دموکراتیک بود برای به هم زدن دسایس دشمنان داخلی و خارجی که می خواستند احزاب «دموکراتیک» ارتجاعی را در البانی به وجود آورده در میان خلق تفرقه بیفکنند و پیروزی های او را از او بر بایند.

حزب کمونیست البانی نخستین کنگره جبهه دموکراتیک را تحت شعار وحدت ملی در اگست ۱۹۴۵ تشکیل داد و کنگره وظائف جبهه را که از آن پس جبهه دموکراتیک البانی نامیده شد و همچنین تدابیر لازم برای تقویت جبهه را مقرر گردانید.

جبهه دموکراتیک البانی می بایست در مبارزه برای حفظ آزادی و استقلال ملی، برای نوسازی کشور، برای رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن در راه سوسیالیسم، تکیه گاه عمده قدرت توده ئی باشد. بسیج و آموزش سیاسی توده های وسیع خلق و وحدت سیاسی خلق البانی بر گرد حزب کمونیست البانی، می بایست به وسیله جبهه صورت گیرد. کنگره جبهه دموکراتیک به عنوان مبین اراده خلق خواستار انتخابات مجلس مؤسسان گردید. حکومت دموکراتیک توده ئی در کنگره پرمیت به وجود آمده بود و مجلس مؤسسان می بایست حالا که تمام کشور آزاد شده بود شکل رژیم سیاسی موجود را تسجیل کند و قانون اساسی را اعلام دارد. این وظیفه را همان دومین جلسه کمیته ضد فاشیست رهایی ملی در اکتوبر ۱۹۴۴ مقرر داشته بود.

کنگره جبهه دموکراتیک و انتخابات شورا های جدید آن باعث شد که این سازمان به تحرک در آید و نقش گسترده تری در زندگی کشور ایفاء کند.

ولی سیاست حزب در مورد جبهه دموکراتیک در اثر روش اپورتونیستی سیف الله مالشوا و مداخلات رهبری حزب کمونیست یوگوسلاوی تحریف شد. جبهه دموکراتیک به نام «مبارزه با سکناریسم» در های خود را بر روی عناصر دشمن نیز گشود و ارتجاع از فرصت استفاده کرد که فرستادگان خود را به جبهه اعزام دارد، آن را از درون ویران سازد و از مواضعی که به دست آورده به مبارزه با قدرت توده ئی مشغول شود. اما هوشیاری حزب و توده های وسیع خلق سد عبور ناپذیری در برابر فعالیت خصمانه عوامل ارتجاع در داخل جبهه کشید و آنان هرگز نتوانستند خصلت انقلابی این سازمان را دگرگون گردانند.

نیروی رهبری جبهه، طبقه کارگر بود که اینک دور نمای پر دامنه رشد یافتن و تبدیل شدن به طبقه کارگر صنعتی با آگاهی عالیقدر سوسیالیستی، در برابر وی گشوده می گشت. طبقه کارگر در فبروری ۱۹۴۵ سازمان های خاص خود یعنی اتحادیه های حرفه ئی (سندیکاها) را نیز تشکیل داده بود. این اتحادیه ها از طرف حزب وظیفه داشتند که در پرورش کمونیستی کارگران و کارمندان نقش مهمی ایفاء کنند و به صورت «ستون استوار جبهه دموکراتیک و قدرت توده ئی در آیند»^۱

وسیع ترین بنیاد جبهه دموکراتیک را همچنان دهقانان زحمتکش تشکیل می دادند که سنگین ترین بار مبارزه رهاییبخش ملی را بر دوش کشیده بودند. استقرار قدرت توده ئی به این دهقانان امکان داد که به آرزوی دیرینه خویش برسند یعنی مالک زمین شوند و از بینوائی و عقب ماندگی بیرون آیند.

اتحادیه جوانان ضد فاشیست البانی و اتحادیه زنان ضد فاشیست البانی که در داخل جبهه دموکراتیک فعالیت می کردند به مثابه اهرم های نیرومند حزب وظیفه داشتند که نقش خاصی در بسیج و آموزش سیاسی توده ها ایفاء کنند.

جوانان البانی که فعال ترین و انقلابی ترین بخش اهالی بودند می بایست در نبرد جدید به خاطر نوسازی کشور و ساختمان سوسیالیسم در جلو قرار گیرند. انور خوجه در دومین کنگره جوانان در ارزیابی نقش بزرگی که بر عهده آنهاست چنین گفت:

«دولت دموکراتیک که به شما امید بسته است یقین دارد که شما همیشه پیشاهنگ خواهید بود، به دنبال وظائف خود همانطور خواهید رفت که به میدان نبرد رفتید، به خاطر بهروزی خود و خلق با شوق بسیار درس خواهید خواند و درس خواهید داد، به ارتش ما که دژ پولادین منافع خلق است یاری خواهید رسانید، از حکومتی که این همه خون در راه آن ریخته اید دفاع خواهید کرد...»^۲

^۱ - رهنمود های کمیته مرکزی حزب کمونیست البانی در باره کار تدارکاتی نخستین کنگره اتحادیه های حرفه ئی، ۲ سپتمبر ۱۹۴۵. اسناد عمده حزب کار البانی. جلد اول صفحه ۲۵۴

^۲ - روزنامه «باشکیمی»، ۱۷ اپریل ۱۹۴۵

زنان البانی با شرکت در مبارزه رهائیبخش ملی نشان دادند که در تکامل زندگی سیاسی و اجتماعی کشور عامل مهم و ضروری اند. نخستین گامی که در طی مبارزه رهائیبخش در راه رهائی زنان برداشته شد می بایست اساس رهائی کامل تمام توده های زنان باشد تا آن که آنان به صورت نیروی بزرگ ساختمان جامعه نوین در آیند. اینک حزب می طلبید که برابری حقوق زنان با مردان که به وسیله حکومت دموکراتیک در برات اعلام شده بود واقعیت یابد. پس کمیته مرکزی به این منظور به حزب سفارش کرد که برای ارتقاء سطح سیاسی زنان، برای تسهیل دست یابی آنها به آموزش و فرهنگ، برای رفع سکتاریسم در پذیرش آنها به حزب و رفع تزلزل و تردید در بالا کشیدن آنها به مقامات رهبری، به کار مداوم دست زده شود. به ویژه شرکت فعال زنان در زندگی اقتصادی و در درجه اول در تولید، می بایست نقش مهم در رهائی آنها ایفاء کند.

ادامه دارد...